## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc426752780)

[خطبه اول 3](#_Toc426752781)

[شروع سال جدید و میلاد امام رضا (ع) 4](#_Toc426752782)

[تبریک مناسبت‌ها 4](#_Toc426752783)

[تعیین امامت و ولایت 4](#_Toc426752784)

[هشتمین حلقه نورانی و الهی 5](#_Toc426752786)

[امام رضا (ع) درعصر حکومت بنی عباس 5](#_Toc426752787)

[اکثر ائمه در عصر خلافت بنی‌عباس 5](#_Toc426752788)

[بدترین دوره‌ها از لحاظ نفاق و تزویر 5](#_Toc426752790)

[عزل مأمون 6](#_Toc426752791)

[بالا بودن مأمون از خلفای دیگر 6](#_Toc426752792)

[حاکمیت مأمون 6](#_Toc426752793)

[هدف مأمون از دعوت امام رضا(ع) 7](#_Toc426752794)

[مأمون و ریا کاری 7](#_Toc426752795)

[زمان آشوب دراسلام 7](#_Toc426752797)

[سیاست مأمون 8](#_Toc426752798)

[ندادن خلافت به امام رضا (ع) 8](#_Toc426752799)

[مغشوش کردن فکر مردم 9](#_Toc426752800)

[احضار امام رضا (ع) 9](#_Toc426752801)

[ایستادگی امام رضا (ع) در مقابل مأمون 9](#_Toc426752802)

[سفر امام رضا (ع) 10](#_Toc426752803)

[سه هدف مأمون 10](#_Toc426752804)

[مناظرات امام رضا (ع) 11](#_Toc426752805)

[بدبینی بینی عباس 11](#_Toc426752806)

[دوکار امام رضا (ع) 12](#_Toc426752808)

[نماز عید 12](#_Toc426752809)

[اخلاقیات امام رضا (ع) 12](#_Toc426752810)

[ابراهیم بن عباس صولی 13](#_Toc426752811)

[ارادت ابراهیم بن عباس به امام رضا(ع) 13](#_Toc426752812)

[ختم قرآن 14](#_Toc426752813)

[صفات امام رضا (ع) 14](#_Toc426752814)

[زندگی امام رضا (ع) 14](#_Toc426752815)

[دعا 15](#_Toc426752816)

[خطبه دوم 15](#_Toc426752817)

[مناسبت‌ها 16](#_Toc426752818)

[حوادث مهم سال گذشته 17](#_Toc426752819)

[تحریم معاملات تجاری ایران 17](#_Toc426752820)

[قانون‌های تحمیلی آمریکا بر اروپا 17](#_Toc426752821)

[شکست نظام تک قطبی آمریکا 18](#_Toc426752822)

[مهم‌ترین قدرت‌ها در برابر آمریکا 18](#_Toc426752823)

[حوادث دادگاه آلمان 18](#_Toc426752824)

[روند صلح خاورمیانه 18](#_Toc426752825)

[حوادث تلخ افغانستان 19](#_Toc426752826)

[حوادث مهم کشور 19](#_Toc426752827)

[مسائل اقتصادی 19](#_Toc426752828)

[دفاع مقدس 20](#_Toc426752829)

[قدم در مسیر ولایت 20](#_Toc426752830)

[طرح‌های بزرگ فولاد 21](#_Toc426752831)

[هر چه هست خداست 21](#_Toc426752832)

[زاد و توشه انسان‌ها 22](#_Toc426752833)

[ولایت وسازندگی 22](#_Toc426752834)

[خودمان را خادم این ملت بدانیم 23](#_Toc426752835)

## خطبه اول

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی لقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین اعوذ بالله السمیع العلیم، من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم. یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوا الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرحیل و تزودوا فان خیر الزاد التقوا**

همهٔ شما برادران و خواهران گرامی و خودم را در این روز گرامی و عزیز به تقوا و پارسایی، اصلاح نفس، اجتناب از هواها و هوس‌های نفسانی، دوری از گناهان و معصیت‌ها و اخلاص در اعمال و تزکیهٔ نفس از رذائل اخلاقی و شکربر نعمت‌های خدا، صبر بر سختی‌ها و ذکر خداوند در همهٔ احوال سفارش و دعوت می‌کنم.

خداوندا تو را به این روز عزیز و به اولیای با مقرب درگاهت قسمت می‌دهیم به همهٔ ما توفیق اطاعت و فرمان‌برداری از خودت را در این سال جدید عنایت بفرما.

## شروع سال جدید و میلاد امام رضا (ع)

روز، روز بسیار عزیز و گرامی است. و حیات جدیدی پیدا می‌کند و بهار شروع می‌شود. این روز مصادف شده با دو عید بزرگ الهی، دینی و مذهبی.

هم جمعه یک عید بزرگ و روز بسیار عزیز و فوق‌العاده گرامی است که برای اولیای خدا هر جمعه عید است و هر جمعه در انتظار ظهور مهدی (عج) هستند.

جمعه برای اولیای خدا یک روز بزرگ است. و امروز علاوه بر شروع سال که مصادف با جمعه است مصادف شده است با میلاد هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت و آن امام عزیز و گران‌قدر که ما افتخار مهمانی او راداریم و نگین زینت‌بخش کشور اسلامی ما است یعنی حضرت امام رضا (ع). بنابر یکی از اقوال تولد ایشان یازده ذی‌القعده است.

## تبریک مناسبت‌ها

بنده ضمن تبریک این مناسبت‌های عزیز و میلاد امام بزرگوار و عزیزمان حضرت امام رضا (ع) خدمت همهٔ شما برادران و خواهران عزیز و ارجمند و نماز گذاران بزرگوار و گرامی عرایضی که طبعاً در این روز خواهم داشت و در خطبهٔ اول مطرح خواهم کرد، پیرامون زندگی حضرت امام رضا (ع) خواهد بود.

## تعیین امامت و ولایت

## به اعتقاد ما امامت و وصایت رسول خدا (ص) و ولایت بر حق امری است که از ناحیهٔ خدا باید تعیین شود.

و سلسلهٔ امامان و هادیان امت و اوصیای رسول خدا (ص) و خلفای به‌حق نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) این سلسلهٔ نورانی که خط ولایت و هدایت امت را ترسیم می‌کنند، سلسله‌ای است که از ناحیهٔ خدا تعیین‌شده و قبل از خلقت عالم این سلسله و این هادیان و امامان بزرگ تعیین‌شده بودند و با دستور خود رسول خدا (ص) یکی پس از دیگری به وصایت و امامت می‌رسیدند.

## هشتمین حلقه نورانی و الهی

و این سلسلهٔ نورانی و در این کهکشان بزرگ ولایت و امامت حلقه‌هایی وجود دارد و هشتمین حلقهٔ پاک، نورانی و الهی حضرت امام رضا (ع) هستند و همان‌طور که اشاره‌شده ما ایرانی‌ها این افتخار راداریم که از میان این انوار پاک و اولیای بزرگ الهی این وجود نازنین در کشور ما هست و امیدواریم که این کشور اسلامی و این مردم معتقد به امامت و ولایت همیشه از فیوضات و الهامات این امام بزرگوار بهره‌مند باشند.

## امام رضا (ع) در عصر حکومت بنی‌عباس

حضرت امام رضا (ع) در عصری واقع شد که در حکومت بنی‌عباس بود و در بدترین دورهٔ فریب، تزویر و نفاق قرارگرفته بود.

سر این قضیه هم وقتی‌که شما به تاریخ مراجعه کنید می‌بینید که بین خلفای زیاد بنی‌عباس چند قرن بعد از بنی‌امیه و بنی‌مروان حاکمیت داشتند. خلفای بنی‌عباس هرکدام یک اوضاع‌واحوال و روحیات خاص خودشان را داشتند.

بعضی بسیار تند بودند، بعضی نرم تر بودند و سیاست‌های متفاوتی داشتند.

## اکثر ائمه در عصر خلافت بنی‌عباس

## اکثر ائمهٔ دوازده‌گانهٔ ما هم در عصر خلافت غاصبانهٔ بنی‌عباس قرارگرفته بودند.

در این چند قرنی که همزمان با چندین امام بزرگ ما است از امام پنجم گرفته تا پایان دورهٔ ظهور ائمهٔ ما این دورهٔ طولانی چندین امام در عصر حاکمیت غاصبانهٔ بنی‌عباس بود و هرکدام از آن‌ها هم باسیاستی در برابر این خاندان رفیع نبوت و امامت و سلالهٔ پا ک رسول خدا (ص) هرکدام به نحوی در برابر آن‌ها ایستادگی کردند.

آن‌ها را به زندان، تبعید، محاصره، شکنجه و انواع آزار و اذیت‌ها و نهایت هم به شهادت رساندند.

## بدترین دوره‌ها ازلحاظ نفاق و تزویر

در این مقطع چند قرن که چند امام در این مدت قرار گرفتند و چندین خلیفهٔ غاصب آمدند، بدترین دوره‌ها از لحاظ نفاق و تزویر و ریاکاری و سیاست پیچیده دورهٔ مأمون است.

وقتی‌که به تاریخ مراجعه کنیم می‌بینیم که تاریخ این‌طور برای ما ثبت و ضبط کرده است. که مأمون در یک درگیری خونین با برادرش بعد از هارون‌الرشید خلافت غاصبانهٔ خود را بر همهٔ قلمرو عالم اسلام گستراند.

هارون‌الرشید امین را در عراق حاکمیت داده بود و مأمون را درمرو و در خراسان حاکم قرار داده بود. و خلیفهٔ بعد از هارون هم امین بود. اما مأمون سیاست و درایت بیشتر داشت.

## عزل مأمون

وقتی‌که امین بعد از هارون‌الرشید بر سرکار آمد، مأمون را از حکومت مرو و خراسان عزل کرد.

عزل او از حکومت مرو برای او گران تمام شد. و درنتیجه مأمون عزم کرد که برادرش را شکست دهد و خلافت موروثی پدرش را بر همهٔ عالم اسلام خودش به دست بگیرد. همین کار را هم کرد.

و باسیاست و تزویر و تدبیری که مأمون داشت در فاصلهٔ چند سال برادرش را سرکوب کرد، شورش‌های زیادی که از گوشه و کنار سرزمین پهناور اسلامی پدید آمده بود، سرکوب کرد، قیام‌های علوی‌ها را که چند قیام وجود داشت سرکوب کرد و بر قلمرو پهناور عالم اسلام حاکمیت خودش را تثبیت کرد.

## بالا بودن مأمون از خلفای دیگر

سیاست و تدبیر و ریاکاری مأمون در میان خلفای بنی‌عباس بی‌نظیر است. همان‌طور که علم و دانش او هم بر همهٔ آن‌ها بیشتر است.

مأمون هم ازلحاظ علم و دانش هم ازلحاظ سیاسی‌کاری و نفاق و تزویر از همهٔ آن‌ها و خلفای دیگر بالاتر بود. با همان تزویر و سیاست کاری شورش‌ها را سرکوب کرد. برادر خودش را تسلیم کرد و کشت. و خیلی از پیام‌ها را به‌طورکلی از بین برد.

## حاکمیت مأمون

مأمون بافکری که داشت می‌دید که در قلمرو پهناور عالم اسلام یک خاندان بزرگ، یک سلسلهٔ عظیم و جریان خدایی و الهی و معنوی وجود دارد که آن جریان با سرکوب‌های مسلحانه قابل از بین بردن نیست.

آن جریان با مقابله‌ها قابل محو کردن نیست. مأمون باهوش و باسیاستی که اهل نفاق و تزویر بود بر همه جای عالم اسلام حاکمیت پیدا کرد.

اما تجربهٔ پدران پدرش و تجربهٔ خلفای بنی‌مروان و امیه و بنی‌عباس پیش رو داشت. در این تجربه که نگاه می‌کرد می‌دید که این سلسلهٔ بزرگ، این امامان پاک، این هادیان امت کسانی نیستند که با نقشه‌های سرکوب، زندان، تبعید، شهادت، اسارت بردن و امثال این‌ها بشود این خاندان را از بین برد.

مأمون فکر کرد، تجربه داشت که معاویه آن‌طور برخورد کرد، یزید آن‌طور برخورد کرد، بنی مروان آن‌طور برخورد کردند و پدران او و خلفای پیش از او از بنی‌عباس آن‌گونه مقابله کردند و همهٔ این‌ها نتیجهٔ معکوس داد.

علی‌رغم این‌همه فشار و تضییقات نام و رسم و نام و نشان و عظمت و شکوه معنوی خاندان امامت و نبوت عالم‌گیر شده بود.

این درد بزرگی برای مأمون و برای همهٔ خلفا بود. اما مأمون این را بهتر فهمیده بود که این درد بزرگ را با آن شیوه‌های قبلی نمی‌شود معالجه کرد.

## هدف مأمون از دعوت امام رضا(ع)

تزویر بزرگ مأمون این بود که امام رضا (ع) را وارد دستگاه خلافت کند تا آبروی این خاندان بزرگ که عمری و قرنی در برابر غاصب‌ها و ظالم‌ها مقابله کرده بودند، را ببرد.

این سیاست جدیدی بود که مطلقاً بی‌سابقه بود یعنی سیاست را از معاویه بگیرید و قبل از آن تا زمان هارون‌الرشید که پدر منحوس مأمون بود، سیاست‌ها فرق داشت آنها همه بر این بودند که با تندی، خشم، غضب، فشار، تضییع و تحدید این خاندان را تحت‌فشار قرار دهند و از بین ببرند.

این سیاست همهٔ آن‌ها بود. شکل‌های گوناگون داشت، با خلفا، ظالمان و جبارهای روزگار با چهره‌های گوناگون درصحنه آمده بودند، اما روح همهٔ آن‌ها خشم و غضب و ابراز آن در برابر خاندان رسالت و نبوت بود. همه گذشته تاریخش این بود.

## مأمون و ریاکاری

## **مأمون با تزویر، نفاق، سیاسی‌کاری و ریا خودش یک‌فصل تازه‌ای باز کرد. آن فصل هم ازاین‌قرار بود که امام رضا (ع) را که سنبل، الگو و نمونهٔ بنی‌هاشم است و خلیفهٔ به‌حق رسول خدا (ص) است و امام و هادی به‌حق امت است. در یک جریان نفاق و تزویر آبروی آن حضرت را ببرد.**

تا به خیال خودش این خط مبارزه با ظلم و ستم و مجاهدت درراه خدا در تاریخ محو بشود. این نقشهٔ فریب‌کارانهٔ مأمون بود و واقعاً هم نقشه، نقشهٔ خطرناکی بود.

## زمان آشوب در اسلام

وقتی‌که انسان تاریخ مأمون، سرکوب شورش‌های زمان مأمون و جریان‌های وسیعی که آن زمان واقع‌شده بود را بخواند واقعاً عمیقاً حس می‌کند که چه دورهٔ عجیب و چه فتنهٔ بزرگ و آشوب عجیبی در عالم اسلام پیداشده بود.

مأمون با علم و سیاست و تزویر و نفاق خود درصحنه آمده و همهٔ ظواهر را جور کرده برای اینکه آبروی این خاندان را ببرد و نور این بیت رفیع ولایت، وصایت و امامت را خاموش کند. به گمان باطل خودش، با گول زدن و فریب دادن افکار عمومی، با جوسازی‌های غلط از مسیر ولایت و امامت جامعه را منحرف و آبروی این خاندان را ببرد. این حرف جدیدی است.

## سیاست مأمون

این سیاست در زمان هیچ‌یک از خلفا نبود. آن‌قدر هم مأمون در این قضیه زیرکانه و با سیاسی‌کاری شدید عمل کرد که امربر بسیاری از مردم مشتبه شده بود.

یعنی تا الآن هم تا قرن‌های قبل بعضی از بزرگان هم در نیت سوء مأمون و به شهادت رساندن امام رضا (ع) هم تردید می‌کردند. یعنی در حدی که بعضی‌ها می‌گفتند درست عمل کرده است.

این دورهٔ خطرناک و فتنهٔ بزرگی بود که در زمان امام رضا (ع) بود. غیر از مسئلهٔ واقفیه و مسائل فکری که آن زمان بود. این جریان نفاق و تزویر خلیفهٔ عباسی بود که می‌خواست برحسب ظاهر کمال احترام را بگذارد اما این‌ها در دست او باشند و آبروی آن‌ها را ببرد.

## ندادن خلافت به امام رضا (ع)

واقعاً مأمون نمی‌خواست که ولایت‌عهدی را به‌واقع به امام رضا (ع) بدهد. یا خلافت را به امام رضا (ع) بدهد.

این‌یک حیلهٔ بزرگ، یک دروغ و یک تزویر خطرناک در زمان امام رضا (ع) بود.

و به گمان من وقتی‌که آدم تاریخ این مقطع را دقیق مطالعه کند می‌بیند که امام رضا (ع) هم با نظر صائب خودشان با بینش عمیق خودشان، با نگرش الهی خودشان باکمال سیاست و درایت و تدبیر این فتنهٔ بزرگ را از بین برد و اهداف شوم مأمون را نقش بر آب کرد.

این کار را امام رضا (ع) کرد، باکمال درایت و پیش‌بینی دقیق.

## مغشوش کردن فکر مردم

اصولاً مأمون می‌گفت که ما امام رضا (ع) را از مدینه احضار می‌کنیم کنار خودمان درمرو آنجا هر طور می‌خواهیم عمل کنیم، هم پیش خود ما است، هم در دستگاه ما است و هم دیگران هم می‌گویند بله معلوم می‌شود این‌ها واقعاً بازی‌شان می‌آمده معاذ الله که همیشه با خلفا دعوا داشتند.

حالا که خلافت و ریاستی به آن‌ها رسیده به دربار مأمون آمدند و همراه مأمون هستند. فکر مردم این‌طور مغشوش شود که معلوم شود این‌ها بازی بود. از آن‌طرف هم امام رضا (ع) در دربار تحت محاصره باشد. این خیلی نقشهٔ بزرگی بود.

## احضار امام رضا (ع)

وقتی‌که امام رضا (ع) را احضار کردند، با جمعی از بنی‌هاشم و خاندان ابی‌طالب (ع) احضار کردند.

همهٔ این‌ها در دستگاه مأمون تحت محاصره و تحت نظر دقیق بودند. خوب این‌ها دیگر کاری نمی‌توانند بکنند. از آن‌طرف هم در مردم پخش می‌کردند که بله ولیعهد است و ولایت‌عهدی را دارد و در دربار مأمون هست و معلوم می‌شد این‌ها همه حرف بوده که می‌زدند و این‌ها هم همراه خودشان است. این خیلی چیز عجیب و فتنهٔ بزرگی بود. تزویر خراب کنندهٔ افکار بود.

## ایستادگی امام رضا (ع) در مقابل مأمون

امام رضا (ع) در برابر این سیاست خطرناک ایستاد و به بهترین شیوه سیاست مأمون را نقش بر آب کرد.

در این‌که مأمون دروغ می‌گفت و بر اساس تزویر و نفاق عمل می‌کرد. ذره‌ای نباید تردید کرد.

احضار حضرت امام رضا (ع) از مدینه به خراسان مجموعاً حدود دو سال طول کشید. شما اگر این سیل را نگاه کنید، معلوم می‌شود که مأمون چه می‌خواست، برخلاف آن ظاهر کاری‌ها و سیاسی کاری‌هایش. و امام رضا (ع) هم چه‌کار بزرگی کرد.

از اولی که امام رضا (ع) را احضار کردند، چند مأمور قوی و مسلح را فرستادند و گفتند امام رضا (ع) وعده‌ای از خاندان ابی‌طالب (ع) و بنی‌هاشم را جمع کنید و از مدینه به مرو در مقر خلافت مأمون عباسی بیاورید.

مأموران که افراد مختلفی هم از آن‌ها نام‌برده شده ازجمله رجا بن ابی ضاحک و افراد دیگری رفتند احضار کنند.

## سفر امام رضا (ع)

اول حرکت امام رضا (ع) در مدینه این را نشان داد که این سفر خوشی نیست.

از اول وقتی‌که حضرت وداع می‌کرد با قبر رسول‌الله (ص) گریه می‌کرد. حتی خویشان و اقوام خود را جمع کرد و گفت برای من گریه کنید.

اعلام کرد و گفت که من می‌روم و دیگر از این سفر برنمی‌گردم. من در این سفر به شهادت می‌رسم. با یک جریان این‌طوری که امام رضا (ع) نشان داد که مردم مدینه و خاندان و شیعیان آنجا بدانند که این راه‌راهی است که آن منافقین دارند ایجاد می‌کنند.

به‌ظاهر به‌عنوان احترام و تکریم ولی درواقع دنبال چیزهای دیگری هستند. از اول امام رضا (ع) این را نشان داد که مأمون دنبال این کار است.

بعد مأمون که احضارش می‌کنند می‌گوید که شما امام رضا (ع) و این قافله را که می‌آورید از سمت بصره و قم این‌ها را عبور ندهید. خیلی نکتهٔ واضح سیاسی دارد.

مرحوم صدوق فرمودند و روشن هم هست. چون می‌دانست که امام رضا (ع) اگر بخواهد از بصره و قم و شهرهایی که شیعیان زیادی دارد و مقر تشیع است عبور کند ممکن است همان‌جا برای حکومت دردسر ایجاد کند.

به گمان من وقتی‌که به چیزهای دیگر تاریخی هم نگاه کنیم، این مأمورین موظف بودند که امام رضا (ع) را از جاهای حساس شیعه‌نشین عبور ندهند و علاوه بر آن امام رضا (ع) آزاد نبودند که هر طور که می‌خواهند در مسیر راه عمل کنند.

سعی می‌کردند حضرت را مخفی بدارند خیلی تماس زیادی نباشد.

و بعد وقتی‌که به خود آنجا می‌رسند خیال می‌کنم در تاریخ دو ماه دارد که دو ماه هرروز مأمون با امام رضا (ع) جروبحث داشت که می‌گفت باید ولایت‌عهدی را بپذیری، امام رضا (ع) هم زیر بار نمی‌رفت.

## سه هدف مأمون

از جهت دیگر هم اینکه از نفوذ حضرت در خیلی از عالم اسلام هم استفاده کنند. این سه جهت در کار بود.1 ـ محصور باشند 2 ـ آبرویشان جلوی خیلی‌ها برود 3 ـ جلوی عده‌ای هم که آبرویشان نمی‌رود از نفوذشان استفاده کنند. مأمون این سه هدف را داشت. امام رضا (ع) زیر بار نمی‌رفت. این نشان می‌دهد که یک نقشه‌ای را امام رضا (ع) می‌فهمید که زیر بار قضیه نمی‌رفت. بعد هم که پذیرفت در مناظراتی که برگزار می‌کرد، در مجالسی که مأمون ترتیب می‌داد که خیلی زیاد است.

## مناظرات امام رضا (ع)

مناظرات امام رضا (ع) از بخش‌های مهم زندگی حضرت است که یک قسمت آن نقل‌شده است. همه‌جا شواهد این را نشان می‌دهد که مأمون دنبال این بود که علم و دانش و معرفت امام رضا (ع) را در میان جامعه زیر سؤال ببرد. بااینکه خودش هم می‌دانست.

درعین‌حال خیلی تلاش کرد تا در مناظره‌ها یکجایی محکوم شود. یهودی، علمای مسیحیت، علمای اهل تسنن و انواع و اقسام اهل مناظره را آورد برای اینکه یک‌جوری آبروی حضرت را در یک مجلس ببرد و به حول و قوهٔ الهی و با لطف خدایی که این‌ها را معصوم کرده بود همه‌جا آبرو و شخصیت این‌ها که نمی‌رفت، بلکه روزبه‌روز به آن افزوده می‌شد. و برای مأمون خفت و خاری بود. ولی در عین ظاهر چیزی را نشان نمی‌داد.

## بدبینی بینی عباس

دو سه مورد نقل‌های تاریخی ما داریم که یک کسی می‌گوید که مأمون در یک جلسهٔ خصوصی به او گفتیم که بنی‌عباس به تو بدبین شدند که امام رضا (ع) را این‌طور آوردی، ولایت‌عهدی را آوردی، عدهٔ زیادی در خود دربار حسادت می‌کردند.

و منتها نمی‌فهمیدند که مأمون می‌خواهد چکار کند. مأمون هم‌جایی چیزی نمی‌گفت.

یک نقل تاریخی دارد که می‌گوید من خودم پیش مأمون بودم گفتم این کاری که تو کردی بنی‌عباس به تو معترض شدند که امام رضا (ع) را ولیعهد کردی و داری خلافت را از خاندان خودت بیرون می‌بری، این چه‌کاری است که کردی؟

یک‌دفعه مأمون آنجا خصوصی از زبانش دررفت. گفت این‌ها همه بازی است. من این کار را نمی‌کنم. من می‌خواهم آبروی این‌ها را ببرم. قریب به این مضامین است.

این جریان در عیون اخبار الرضا (ع) در یک روایت و نقل تاریخی آمده است. و نقاط دیگری هم همین‌طور نقل‌شده که نشان می‌دهد که مأمون یک تزویر بسیار خطرناک را ایجاد کرده ولی امام رضا (ع) خودش را نشان داد.

## دو کار امام رضا (ع)

1 ـ به مردم فهماند که به‌اجبار دارم این کار را انجام می‌دهم. در متن دستوری که او نوشت. شرایطی که گذاشت. همهٔ آن‌ها را نقطه‌به‌نقطه طوری تنظیم کرده که هر آدم هوشمندی بفهمد که امام رضا (ع) تحت‌فشار بوده و گاهی هم خصوصی‌ها این‌ها را برای مردم نقل می‌کردند که امام رضا (ع) به شدت غمناک بود.

هر جمعه که از نماز برمی‌گشت از سروصورت حضرت غم می‌بارید و گاهی آرزوی مرگ می‌کرد. این را نشان می‌داد که بدانید من ناراحت هستم. من با فشار و تضییع تن به این کار دادم. این جهت بود که امام رضا (ع) این را خوب نشان داد.

2 ـ گاهی که زمینه‌ای پیدا می‌کرد، معارف اهل‌بیت (ع) و نوع حکومت اهل‌بیت (ع) را نشان می‌داد. در مجالس، مناظره‌ها، دریای معارف و حکمت الهی، امواج معرفت و دانش خدایی از زبان ایشان موج می‌زد و دیگران می‌فهمیدند ارج و منزلت و مقام و مرتبهٔ این خاندان را. این هم کاری بود که انجام داد تا دیگران بفهمند که این‌ها چه کسانی هستند. و هم رساند که ما به‌زور زیر بار این کار رفتیم.

## نماز عید

فشار و تضییق هم خود را به‌عنوان خلیفهٔ به‌حق رسول خدا (ص) و امام معصوم به جامعه نشان داد.

گاهی هم در یک مراسم‌هایی پیش می‌آمد مثل همان نماز عید که حضرت نیمه‌کاره تمام کرد، دیگر خوب به مردم می‌فهماند که این نماز عید رسول خدا (ص) است و این‌ها نمی‌توانند نماز عید واقعی را ببینند.

نماز عید رسول خدا (ص) و نماز عید اولیای واقعی نمازی است که مستند به ولایت و رهبری و امامت باشد. نه نماز عیدی که توسط بریده‌های از ولایت و رهبری اقامه شود. این را امام رضا (ع) با نماز نیمه‌تمام خودش رساند.

## اخلاقیات امام رضا (ع)

کسانی که امام رضا (ع) را در این مدت دیدند در اخلاقیات امام رضا (ع) چیزهایی را نقل کردند.

دو سه روایت که نشان‌دهندهٔ اخلاق، منش، شخصیت و رفتار معنوی امام رضا (ع) را نقل می‌کند. یکی از این نقل‌ها ابراهیم بن عباس صولی است که در اعیان الشیعه، بحار و کتاب‌های دیگر هم آمده است.

## ابراهیم بن عباس صولی

ابراهیم بن عباس صولی خودش از وزرا بزرگ مأمون است. یک آدم اهل شعر و از شاعرهای بزرگ است.

دعبل خزاعی که آن شاعر بزرگ بود. می‌گوید اگر ابراهیم بن عباس دنبال وزارت و در مسائل سیاسی نرفته بود، در شعر دست همهٔ ما شعرا را از پشت بسته بود. یعنی آدم این‌قدر شاعر قوی، عالم، یک آدم سیاسی و در دربار چندین خلیفهٔ بنی‌عباس جزء کتاب و وزرا و شخصیت‌های درجهٔ یک بود این آقای ابراهیم بن عباس.

## ارادت ابراهیم بن عباس به امام رضا(ع)

حالا این عالم اهل فکر و شعر و تدبیر و سیاست و با آن سوابقی که دستگاه بنی‌عباس داشت، گرایشی هم به امام رضا (ع) داشت. چون حقائق را تا حدودی دیده بود.

این شخص چیزهایی را دربارهٔ امام رضا (ع) می‌گوید. ببینید این امام ما است. این آن پیشوا و الگوی اعلایی است که ما شیعیان در مسیر او باید گام برداریم.

ابراهیم بن عباس این‌طور می‌گوید **«مَا رَأَیتُ الرِّضَا ع یسْأَلُ عَنْ شَی‌ءٍ قَطُّ إِلَّا عَلِم»**[[2]](#footnote-2) ندیدم چیزی از امام رضا (ع) سؤال شود مگر اینکه جواب را حاضر و آماده داشت. **«وَ لَا رَأَیتُ أَعْلَمَ مِنْهُ بِمَا کانَ فِی الزَّمَانِ الْأَوَّلِ إِلَی وَقْتِهِ وَ عَصْرِه»[[3]](#footnote-3)** از او آگاه‌تر و عالم‌تر در زمان خودم کسی راندیدم. این را یک آدم کنار افتاده نمی‌گوید، آدمی که در دربار مأمون است که دورش علمای زیادی را جمع کرده بود. و خودش از دانشمندان است و خودش می‌گوید من کسی را عالم‌تر از امام رضا (ع) ندیدم.

**«وَ کانَ الْمَأْمُونُ یمْتَحِنُهُ بِالسُّؤَالِ عَنْ کلِّ شَی‌ءٍ فَیجِیبُ»[[4]](#footnote-4)** همین وزیر مأمون این را می‌گوید و می‌گوید مأمون او را امتحان می‌کرد، با انواع سؤالات و مجالس مناظره و هر چه سؤال می‌کرد او جواب می‌داد. هیچ‌گاه از پاسخ به سؤالی بازنماند.

**«وَ کانَ کلَامُهُ کلُّهُ وَ جَوَابُهُ وَ تَمَثُّلُهُ انْتِزَاعَاتٍ مِنَ الْقُرْآن»[[5]](#footnote-5)** سخن حضرت، مثال آوردن‌های حضرت همه از قرآن ناشی بود.

## ختم قرآن

و بعد می‌گوید حضرت هر سه روز یک‌بار قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: اگر می‌خواستم در یک روز قرآن را ختم می‌کردم. ولی سه روز یک‌بار گذاشتم تا در آیات قرآن تدبر کنم و از آیات وحی الهام بگیرم.

این‌ها اخلاق امام رضا (ع) است که این شخص دارد نقل می‌کند. و من کسی را بافضیلت تر و بزرگوارتر از امام رضا (ع) ندیدم. و از چیزها دیدم، علم و دانش و تقوا و معرفت و عبادتی دیدم که از احدی ندیدم.

## صفات امام رضا (ع)

بعد یک‌به‌یک صفات حضرت را ذکر می‌کند. زبانش موجب رنجش دیگران نبود. ندیدم که سخن دیگران را قطع کند و در گفتگو کلام دیگری را ببرد. و ندیدم که بتواند حاجت مستمندی را برآورد و آن حاجت را برنیاورد. در مجالس پای خود را دراز نمی‌کرد. و ندیدم که به کسی دشنام بدهد. این‌ها اخلاق امام رضا (ع) است که این شخص نقل می‌کند. و خندهٔ او یک تبسم شیرین بود نه قهقهه و هرگاه بر سفره می‌نشست اطرافیان خودش و خادمان و غلامان خودش را هم بر سفره می‌نشاند و تکبر و جدا بودن از مردم در زندگی ایشان نبود و او کم‌خواب و پر عبادت بود.

شب‌ها را بیدار بود، روزها را روزه می‌گرفت و زیاد صدقه می‌داد به‌خصوص شب و در حال خفا صدقه می‌داد به مستمندان و فقرا و اگر کسی دیدید که می‌گوید من مثل امام رضا (ع) دیدم او را تکذیب کنید مثل او دیگر پیدا نمی‌شود و رجاء بن ابی ضحاک که مأمور جلب حضرت به خراسان بود او هم تعبیر دیگری دارد. این‌ها چند صفت امام رضا (ع) بود که این وزیر خلیفه و مأمون نقل کرد.

## زندگی امام رضا (ع)

رجاء بن ابی ضحاک که مأمور جلب حضرت از مدینه به مرو هم این‌طور می‌گوید. چند صفحه عیون أخبارالرضا را گرفته است. این آقا می‌گوید من از مدینه همراه امام رضا (ع) بودم تا مرو. زندگی امام رضا (ع)، عبادت، اخلاق، برخورد، تقوا و علم و دانش امام رضا (ع) همهٔ آیات عجیبی که از او در طول این سفر زائل شد در دو صفحه بیان می‌کند. که خیلی طولانی و جالب است. اینکه امام رضا (ع) چطور زندگی می‌کرد. و آقایی که مأمور همراه حضرت بود این‌ها را نقل کرده است.

دو سه جمله از آن را عرض می‌کنم. **«وَ اللَّهِ مَا رَأَیتُ رَجُلًا أَتْقَیُ وَ أَکثَرَ ذِکراً»[[6]](#footnote-6)** به خدا قسم در طول عمرم ندیدم مردی با تقواتر و ندیدم کسی که در همهٔ حالاتش ذاکر خدا و متوجه خدا باشد. و ترس از خدا بر او حاکم باشد و من همراه امام رضا (ع) بودم.

دیدم در شهرها و روستاها چطور علم و دانش ایشان منتشر می‌شد و هر جا که وارد می‌شد مردم هجوم می‌آوردند تا از ایشان چیزی یاد بگیرند و حضرت به آن‌ها معالم دینشان را می‌آموخت و می‌گوید من دیگر مثل امام رضا (ع) در عمرم ندیدم.

عبادت ایشان، شب بیداری، برخورد با مردم، نشر معارف الهی را از امام رضا (ع) دیدم و از او بهتر و بالاتر در چشم خودم ندیدم. این‌ها از درباری‌های مأمون هستند که دو نمونه را من برای شما نقل کردم. و خیلی طولانی‌تر هم هست. این زندگی نورانی امام رضا (ع) بوده و ما این افتخار راداریم که اعتقاد به این خاندان داریم و این مسیر نورانی و این زندگی پاک را باید از این خاندان الهام بگیریم.

## دعا

خدایا تو را به مقربان درگاهت و به این روز عزیز قسمت می‌دهیم ما را از شیعیان، محبان و عارفان و مطیعان اهل‌بیت (ع) قرار بده! ما را مشمول لطف و عنایت و دعا و شفاعت حضرت امام رضا (ع) قرار بده!

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**اِنّا اَعْطَیْناکَ الْکُوثَر فَصَّلِ لِرَّبکَ وانْهَر اِنَّا شانِئَکَ هُوَ الاَبْتَر [[7]](#footnote-7)**

## خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین بارئ الخلائق أجمعین ثم الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی لقاسم محمد (ص) و علی وصیة و خلیفة سیدنا و مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة اللهم صل علی و زد و بارک علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ بالله سمیع العلیم، من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم، یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[8]](#footnote-8) عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوا الله**

بار دیگر همهٔ برادران و خواهران گرامی و خودم را در این روز عزیز و گرامی به تقوا، پارسایی و ذکر و یاد خداوند در همهٔ حالات و آمادگی سفر مرگ و سفر به‌طرف خداوند و از این عالم به عالم بقاء سفارش و دعوت می‌کنم.

خدایا تو را به مقربان درگاهت و به‌حق امام رضا (ع) قسمت می‌دهیم ما را از بندگان آماده مرگ و لقاء خودت قرار بده.

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**یا مقلب‌القلوب و الابصار یا مدبرالیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال[[9]](#footnote-9)**

## مناسبت‌ها

این روز عزیز و گرامی که میلاد حضرت امام رضا (ع) است و همچنین روز جمعه است که مصادف شدن دو عید بزرگ الهی است و همچنین فرارسیدن بهار و شروع سال جدید را به حضور شما خواهران و برادران گرامی و نمازگزاران ارجمند و بزرگوار تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و از خدا می‌خواهیم که این سال را برای امت اسلام و برای این امت بزرگوار و عزیز و همهٔ ایثارگران و خانواده‌های شهدا و ایثارگران و جانبازان و این امت قهرمان اسلام ان‌شاءالله سالی پر از خیروبرکت و رحمت و مغفرت الهی باشد.

در این خطبه با توجه به این‌که ماسال 75 را پشت سر گذاشتیم و سال جدید را شروع می‌کنیم و این خطبه هم دویستمین خطبه‌ای است که خدا به ما توفیق داده و امروز در خدمت شما هستیم.

امیدواریم که خدا آنچه را که گفته‌ایم و آنچه را که شنیده‌اید برای خودش قرار دهد و منشأ خیروبرکتی برای همهٔ ما قرار بدهد.

## حوادث مهم سال گذشته

در اینجا یک نگاه کلی بنده به حوادث مهم سال گذشته که با کشور ما و با انقلاب ما ربط داشته خواهم داشت و بعد هم چند توصیه خدمت شما خواهران و برادران و جوانان عزیز تقدیم خواهم کرد.

در سال گذشته و سال 75 یک سلسله حوادث مهمی واقع شد که به‌تدریج به آن‌ها اشاره می‌کنم. یکی از مسائل مهم در سال گذشته فشارها، تحدیدها و نقشه‌ها و توطئه‌هایی بود که آمریکا در چند بخش متوجه این نظام اسلامی کرد.

آمریکا در سال گذشته قوانینی را به تصویب رساند که ایران را ازنظر اقتصادی تحت‌فشار قرار دهد و از نقاط جالب حوادث سال گذشته این بود که برای شاید بعضی موارد اولین بار بود که اروپا خودشان در برابر آمریکا موضع گرفتند.

این‌یک نقطهٔ بسیار مثبتی در دنیا به نفع کشور ما بود که در بین بلوک غرب خودشان اختلافاتی در ارتباط با ایران پدید آمد.

## تحریم معاملات تجاری ایران

آمریکا و کنگرهٔ آمریکا، بودجه‌ای گذاشتند برای مقابله با ایران و از آن‌طرف قانونی را تصویب کردند که بر اساس آن معاملات تجاری با ایران تحت تحریم و فشار قرار گرفت و خوشبختانه در خود جبههٔ کفر و مقابل با ایران خود اروپایی‌ها موضع گرفتند.

گفتند معنا ندارد که همهٔ دنیا زیر بار قوانینی که آمریکا برای خودش تصویب می‌کند تسلیم شوند. این‌یک نقطهٔ امیدوارکننده‌ای بود برای دنیای مستضعفان و محرومان که یک اختلاف و شکافی میان مستکبرین عالم بیفتد.

## قانون‌های تحمیلی آمریکا بر اروپا

اروپا موضع گرفت و زیر بار قانون‌های تحمیلی آمریکا نرفت و این‌یک نقطهٔ قوتی بود.

در همین سال در مواردی در روسیه و در چین موضع‌گیری‌های خوبی در مقابل آمریکا انجام شد و آن نقشهٔ یکه‌تازی که آمریکا برای خودش ترسیم کرده بود و الآن هم دنبال آن هست که در دنیای امروز خودش یک‌دانه باشد. این به حول و قوهٔ الهی جا نیفتاد.

در خود اروپا مواضعی مقابل آن گرفته شد، در چین که از قبل هم بود، سال گذشته هم تداوم داشت و حتی در روسیه با آن سرمایه‌گذاری‌هایی که کردند برای اینکه آمریکایی را روی کار بیاورند درعین‌حال اخیراً روزهای آخر امسال خود رئیس‌جمهور روسیه مواضع خیلی خوب و محکمی مقابل آمریکا گرفت.

## شکست نظام تک‌قطبی آمریکا

این‌یک مجموعه از حوادثی بود که نشانه‌هایی از این‌که نظام تک‌قطبی و یک‌قطبی که آمریکا در دنیا دنبال آن است شکست خورد.

و این برای دنیای اسلام و برای انقلاب ما هم مهم است که در دنیا طوری حرکت شود که آمریکا احساس اینکه قطب واحد دنیاست و محور همهٔ سیاست‌ها و حرکت‌های اقتصادی و سیاسی دنیاست، این شکسته شود و علائم مثبتی هم در سال 75 نشان داد که نه آن‌طور فکر خام آمریکایی‌های ناآگاه فکری نیست که به‌جایی برسد.

## مهم‌ترین قدرت‌ها در برابر آمریکا

و بالاخره در این دنیا قدرت‌های دیگری هم هستند که مقابل آن خواهند ایستاد و از مهم‌ترین قدرت‌ها هم به حول و قوهٔ الهی در سال 75 در برابر استکبار آمریکایی، قدرت عظیم شما مردم و ملت بزرگوار ایران بود که با همهٔ وجود و با قامتی رشید در برابر آمریکا و سلطه‌طلبی آمریکا ایستاد و نشانه‌هایی هم در اروپا و جاهای دیگر بود و ان‌شاءالله این شکاف در جبههٔ کفر باقی خواهد ماند و این انقلاب و شما مردم توانا خواهید بود که در برابر آن‌ها بایستید و مقاومت کنید.

## حوادث دادگاه آلمان

این‌یک جهت در سیاست‌های کلی در دنیا بود. جهت دیگر تبلیغ‌هایی که علیه ایران راه انداختند که مثل سال‌های گذشته هم ادامه داشت و مهم‌ترین آن حوادث دادگاه آلمان بود و بحمدالله مردم ما خودشان را نشان دادند و کار هم به‌جایی رسید که خود مقامات اجرایی آلمان و مقامات ردهٔ اول آلمان از ایران عذرخواهی کردند و تا حد زیادی در آن قضیه که باتدبیر آمریکا داشت در دنیا اجرا می‌شد. کوتاه آمدند.

این هم یک نقطهٔ قوتی بود که در سال گذشته واقع شد. در اثر حضور شما درصحنه‌ها و مقاومت شما.

## روند صلح خاورمیانه

روند صلح خاورمیانه و مسائل اسرائیل و فلسطین متأسفانه وضع چندان خوبی نداشت. و آمریکا اهداف خودش را تعقیب کرد و یک دولت تندروی افراطی در اسرائیل روی کارآمد و تا همین اواخر سال و همین الآن هم ادامه دارد که حتی پای قراردادها و مقررات خودشان هم نایستادند و شهرک‌سازی را در بیت‌المقدس و نقطه حساس سرزمین فلسطین، برخلاف آن مقررات و عهدنامه‌هایشان شروع کردند.

و باز دنیای اسلام تحت‌فشار بود از ناحیهٔ اسرائیل و البته آن‌هایی هم که باید بفهمند بیشتر فهمیدند که این مسیر صلح سازش کاران مسیر افتخارآمیزی نیست و در آن ذلت هست.

## حوادث تلخ افغانستان

جهت دیگر در سال گذشته حوادث تلخ افغانستان بود و آن مسائل زشت و بدی که آمریکا و عوامل او در افغانستان ایجاد کردند یک گروه متعصب ناآگاه و متحجری را روی کار آوردند. این از حوادث ناملایم و ناراحت‌کننده برای عالم اسلام در افغانستان بود.

در کشورهای دیگر اسلامی معمولاً وضع سابق ادامه داشت. در الجزایر همان فشاری که روی مسلمان‌ها داشتند در سال گذشته ادامه داشت و نقطهٔ امیدی پیدا نشد اما در ترکیه نقاط امیدی پیدا شد برای اینکه مسلمان‌ها و اسلام‌گراها روی کار بیایند که در جریان هستید و هفتهٔ قبل هم توضیح دادم.

## حوادث مهم کشور

و حوادث مهم کشور ما هم آن اقتدار ملت در روزهای قدس و 22 بهمن و نماز عید فطر بود که از نقاط درخشنده و بسیار تابناک و امیدوارکننده برای ملت بود که ملت ما استحکام و عظمت خودش را یکپارچه و منسجم نشان داد که مطمئناً اگر ملت ما این‌طور باشند، لطف و فضل خدا هم ادامه پیدا خواهد کرد.

## مسائل اقتصادی

از جهت دیگر هم در مسائل اقتصادی به فضل و لطف خدا و علی‌رغم آن‌همه کارشکنی‌های دنیا و مستکبران عالم و روند سازندگی و پیشرفت کشور، افتتاح طرح‌های بزرگ ادامه داشت و در اواخر دورهٔ ریاست جمهوری سردار بزرگ سازندگی جناب آقای هاشمی رفسنجانی نمونه‌های خیلی خوب از پیشرفت نظام اسلامی درصحنه‌های اقتصادی ظهور بروز پیدا کرد.

خوب میدانید ایشان در دورهٔ اول فوق‌العاده تحت‌فشار و مشکل بودند، در دورهٔ دوم هم اوایل این‌طور بود ولی بعد 6،7 سال به‌هرحال آن گرانی‌ها و مشکلات و زحماتی که ملت داشتند و سختی‌های بعد از جنگ که همهٔ کشورها بعد از جنگ داشتند و گاهی هم تا حدی می‌رفت که خیلی‌ها در حد ناامیدی می‌برد. هنوز هم خیلی از مشکلات باقی است و ان‌شاءالله یک‌به‌یک حل شود و مسئولین همت کنند درعین‌حال نظام ما نشان داد در یک هشت سال مجاهدهٔ درراه خدا یک دفاع جانانه از کشور کرد.

## دفاع مقدس

در هشت سال دفاع مقدس آن خیل بزرگ از جوان‌ها آمدند و این کشور و انقلاب را حفظ کردند.

و باز نظام مقتدر شما مردم و اسلام نشان داد که در هشت سال سازندگی آن‌طور ابتکارات بزرگ را انجام دادند. آن طرح‌های بزرگ در سطح سازی، راه‌سازی، صنایع تسلیحاتی، نظامی در صنایع دیگر و صنایع مادر و انواع اقسام طرح‌های بزرگ ملی و منطقه‌ای که در طول این هشت سال نشان داد که واقعاً ملت ما ملتی بود که هشت سال کار، زندگی و خواب خود را کنار گذاشت و این کشور را در یک صحنهٔ نظامی از چنگ دشمن‌ها بیرون آورد.

اسلام و انقلاب را حفظ کرد. باکمال قدرت که در دنیا آن مقاومت، آن مجاهدت، آن سوابق نورانی زمان جنگ قطعاً ما در دنیا نمونه‌اش را نداشتیم و شما مردم آن افتخار بزرگ را آفریدید در هشت سال دفاع مقدس.

## قدم در مسیر ولایت

و باز شما مردم به لطف و فضل خدا نشان دادید که در هشت سال سازندگی هم با همهٔ کارشکنی‌ها، همهٔ نفاق‌ها و تزویرها در مسیر ولایت و رهبری قدم برداشتید و شما و افکار پیشرو شما، دانشمندان، عالمان، بزرگان این مملکت و کارگران و کشاورزان همه دست‌به‌دست هم دادند طوری که در سال اخیر روزبه‌روز و هرروز کشور ما شاهد افتتاح یک طرح بزرگ، یک صنعت مهم و کارهای زیربنایی برای کشور بود. این واقعاً چیز مهمی است و دنیا هم کمتر این رقم چیز نمونه دارد.

هشت سال یک ملت همه‌چیز را کنار گذاشت، صلاح را بر دوش گرفت و از کیان امت اسلام و کشور خودش دفاع کرد، و جنگید و در هشت سال دفاع مقدس هم همه درصحنه آمدند.

در زمینه‌های علمی، فنی، فنّاوری، صنعت، صنایع مادر و انواع و اقسام صنایع و کارهای تولیدی بزرگی را کردند. این قدم‌های بزرگی بود و سال 75 سالی بود که در پایان ریاست جمهوری آقای هاشمی این را نشان داد که آن‌کاره‌ای بزرگ که واقعاً کسی فکر نمی‌کرد انجام شد و مطمئناً هم این روند ادامه دارد. با حضور شما مردم، با بینش و آگاهی شما، با شناخت دقیق شما از ولایت و رهبری و پیروی قطعاً این مسیر ادامه پیدا می‌کند. این سال افتخارآمیزی بود. البته مشکلات بازهم وجود دارد که باید به‌تدریج حل شود.

## طرح‌های بزرگ فولاد

در سال 75 برای اولین بار در چندین مورد دانش فنی ایران به دنیا صادر کرد. در قسمت فولاد طرح‌های بزرگی اجرا کرد. که یکی از آن فولاد میبد است که ان‌شاءالله در سال 76 به بهره‌برداری خواهد رسید.

در اصفهان و در نقاط دیگر طرح‌های مهم فولاد اجرا کردند و دانش فنی طرح بزرگ ذوب‌آهن اصفهان به ایتالیا صادر شد. این برای اولین بار در کشور ما بود.

آن‌همه که از زمان امیرکبیر می‌گفتند همه تمام شد. نظام جمهوری اسلامی در دورهٔ حاکمیت ولایت و امامت و رهبری به‌حق اولیای خدا کشور در مسیر سازندگی و ساخت زیرساخت‌های بزرگ کشور گام‌های بزرگی برداشت و سال 75 سال مهمی در این زمینه بود. که برای ملت ما افتخار بزرگی بود و امیدواریم روند حضور مردم درصحنه، آگاهی و هوشیاری مردم درصحنه و پیشرفت اقتصادی و علمی در زمینه‌هایی کشاورزی، صنعت و خدمات ان‌شاءالله ادامه پیدا کند.

و خدا ان‌شاءالله این ملت را راهنمایی کند که به راه‌های خیر و صلاح حرکت کنند و چند نکته‌ای که باید در آغاز سال جدید خدمت شما عرض کنم یکی این است که برادران و خواهران، عزیزان، روز جمعه، اول سال و روز میلاد امام رضا (ع) بیایید همه تصمیم بگیریم که برای رضای خدا قدم برداریم.

زندگی خود را اخلاقی و معنوی کنیم. الگوی کارمان را امام رضا (ع) قرار دهیم. با آن چهره‌ای که در آن حدیث ترسیم‌شده بود.

امتیاز شما ملت این کشور بزرگ شیعه و کشور بزرگ اسلامی این است که همهٔ این پیشرفت‌ها و ترقی‌ها را در سایهٔ معنویت و اخلاص و توکل بر خدا انجام دهد.

## هر چه هست خداست

بدانید پشتیبانی شما و انقلاب شما خدا بود. منشأ حرکت و پیشرفت شما خدا بود و از آن مبدأ و انگیزهٔ اصلی که خدا بود مبادا جدا شوید. هر چه هست خداست. همهٔ قدرت‌ها به دست خداست **«لله جنود السماوات و الارض»[[10]](#footnote-10)** توکلتان را بر خدا کنید بر همهٔ دشمن‌ها پیروز می‌شوید.

چشم‌ها را بازکنید تا دشمن شمارا فریب ندهد. به راه‌های خطا و انحراف نکشاند. خدا با شماست. دل را به خدا بدهید. جوان‌های عزیز، نوجوان‌های عزیز بدانند که این کشور مال آن‌هاست. و این کشور بانام خدا و با یاد خدا به این اوج افتخار رسیده و هنوز ما میانهٔ راه هستیم و هنوز خیلی مسیر طولانی داریم.

## زاد و توشه انسان‌ها

و زاد و توشهٔ ما و شما در مسیرمان در این دنیا و در آن عالم خدا و انگیزهٔ الهی و احساس وظیفه و قدم برداشتن برای خداست.

از هیچ‌چیز نترسید. چشم‌هایتان را بازکنید، دل‌هایتان را متوجه خدا کنید.

اول سال جدید که روز جمعه است و تعلق به امام زمان (عج) دارد و تعلق به امام رضا (ع) دارد. دل به ائمهٔ طاهر ین (ع) بدهید، به عشق آن‌ها زندگی کنید. خودتان را اصلاح کنید، خودمان را تربیت کنیم. بر اساس معنویت و دستورات خدا حرکت کنیم. این تصمیم را روز اول سال بگیریم.

گناه و آلودگی را از خودتان، از خانه، از شهر و از محله‌تان سعی کنید دور کنید. این راه خیر و صلاح است. و روز اول سال این تذکر از همه‌چیز مهم‌تر است.

## ولایت و سازندگی

و بعد مسئله این است که سازندگی در این کشور باید ادامه پیدا کند. کار، تلاش، تولید، علم و دانش باید در این کشور در زل ولایت و رهبری و با هدایت مقام معظم رهبری تداوم پیدا کند.

شما خط را از ولایت و رهبری و از مسیر درست الهی بگیرید و همین مسیر پرتلاش و حضور درصحنه را حفظ کنید، خدا هم شمارا کمک خواهد کرد و مسئولان، کسانی که در ادارات کار می‌کنند، کسانی که مسئولیتی دارند، خوب بینا باشند که امانت بزرگی به دست آن‌هاست.

آن‌هایی که یک موقعیتی در نظام اسلامی دارند بیشتر باید حواسشان جمع باشد. بیشتر باید قدر این خون شهدا را بدانند. بیشتر باید بدانیم که با چه انگیزه‌هایی این ملت به اینجا رسید. این انقلاب بر چه پایه‌هایی استوار است. مبادا بخواهیم کلک بزنیم، فریب دهیم، دروغ بگوییم، راه را بر مردم مشتبه بکنیم یا آن اندازه که بر توانمان است برای رسیدگی مردم قدم برنداریم.

## خودمان را خادم این ملت بدانیم

اگر در اداره‌ای اگر در نهادی هستید ارگانی هستید در مقام و منصب و مسئولیتی هستید هر جای کشور که باشیم باید خودمان را خادم این ملت بدانیم و افتخار کنیم به این مردم خوب این مردم حاضر درصحنه، این مردم شهید داده، این مردم خیلی ارزش‌دارند. این نوع مردم در طول تاریخ کم بودند. ما خیلی باید قدر آن‌ها را بدانیم. ما مسئولین خیلی باید تلاش کنیم. شب و روز خودمان و فکر خودمان را مصرف کنیم.

1. آل‌عمران،‌102 [↑](#footnote-ref-1)
2. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج 2، ص 180 [↑](#footnote-ref-2)
3. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج 2، ص 180 [↑](#footnote-ref-3)
4. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج 2، ص 180 [↑](#footnote-ref-4)
5. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج 2، ص 180 [↑](#footnote-ref-5)
6. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج 2، ص 180 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره کوثر آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-7)
8. آل‌عمران،‌102 [↑](#footnote-ref-8)
9. دعای تحویل سال [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره فتح آیه 4 [↑](#footnote-ref-10)